

آینه‌های روبه‌رو

راه‌دشوار تهیه‌کنندگی تلویزیونی

کاوه افضلی*

■ کار تهیه‌کنندگی برای تلویزیون کار بسیار مشکل و حساسی است. به دلیل اینکه مخاطبان تلویزیون بسیار گسترده هستند و چند میلیون نفر این رسانه را نگاه می‌کنند. این افراد سلایق، عقاید و تحصیلات گوناگونی دارند و راضی نگه‌داشتن این جمعیت انبوه دشوار است. در حالی که در سینما یک فیلم نهایتاً ۵۰۰ هزار نفر یا یک میلیون تماشاگر دارد، اما در تلویزیون صحبت بر سر ۳۰میلیون مخاطب است. مخاطب سینما در حقیقت انتخاب‌کننده است،او با توجه به کارگردان، بازیگران و نویسنده، فیلم مورد نظرش را انتخاب می‌کند، در حالی که تلویزیون انتخاب نیست و مانند غذایی است که سر سفره همه مردم قرار داده شده. شما تصور کنید روزی قرار است از خانه خارج شوید و در یک جمع ۱۰ یا ۲۰میلیون نفری حاضر شوید، برای پوشیدن لباس در این روز مشخص چه طور به وسواس می‌افتید. کار برای رسانه ملی هم به همین شکل است. تقریباً دو سال است که درگیر کار سریال سایه روشن هستم با حدود ۶۰۰۷۰ نفر و در طول هشتت ماه این سریال ساخته شد. روز اولی با آقای معیریان تصمیم گرفتیم که این کار را بسازیم، ایده‌مان این بود که کار متفاوتی باشد به اعتقاد من ما از خارجی‌ها کمتر نیستیم، البته قبول دارم از لحاظ تکنیک و تجهیزات آنها برتری دارند اما این دلیل نمی‌شود که ما نتوانیم کارهای موفق‌ی بسازیم. بنابراین تلاش کرده‌ام که با تحقیق و پژوهش به سراغ کاری بروم و سلیقه مخاطب را در نظر بگیرم. از سوی دیگر با جان و دل کار کرده‌ام و زحمت زیادی برای کارهایم کشیده‌ام، به جرات می‌گویم در حالی که بودجه سریال خیلی کم بود اما ما چیزی کم نگذاشته‌ایم. بودجه‌ها در تلویزیون طبقه‌بندی می‌شود. کار تلویزیونی «الف ممتاز» بیشترین بودجه را دارد، پس از آن «الف» و «ب» به ترتیب بودجه در ریافت می‌کنند. این بودجه‌ها کف و سقفی هم دارند، اما برای سریال سایه روشن در حد کف یک سریال درجه «ب» بودجه اختصاص داده شده. با سخت‌کوشی بچه‌ها و برنامه‌ریزی‌های که انجام شد، توانستیم کمبود بودجه را جبران کنیم و در طول هفت ماه که برای سریالی با این حجم، زمان بسیار اندکی است، توانستیم کار را برای پخش آماده کنیم و این را مرهون ظرافت بچه‌ها هستیم. هدف من به عنوان یک تهیه‌کننده این است که وقتی کاری را می‌سازم، در درجه اول مورد قبول خودم باشد و تلاش هم می‌کنم که به



بهترین وجه کار را تحویل دهم؛ زیرا در غیر این صورت بودجه را از بین بردن است. قرارداد اولیه ما با شهرداری نبود، ولی با صحبت‌هایی که با دوستان در شهرداری انجام دادیم آنها موافقت کردند که در این کار کمک کنند. به آقای دکتر نوروزی مدیر کل اداره حقوقی شهرداری تهران صحبت‌هایی شد. نظر هوشمندانه او این بود که شهرداری به جز نگهداری فیزیکی شهر در مورد فرهنگ شهر، ایجاد روحیه و آموزش مردم هم مسئولیت دارد. ما تلاش کردیم در این مجموعه مشکلات و معضلات شهرمان را نمایش داده و پیام‌ها را که برای مردم مفید است در قالب یک سریال نشان دهیم. درحالی‌که عدمای از منتقدان صبر نمی‌کنند انتشای ما تمام شود و قبل از پایان سریال در مورد آن قضاوت می‌کنند. بعضی از نقدها در مورد سایه روشن به نظر خنده‌دار است، یک جریان مغرضانه در مورد این سریال ایجاد شده، در حالی که سریال ملک یک فیلم ۹۰ دقیقه‌ای نیست صحبت از نگه‌داشتن مخاطب برای هزار و ۴۰۰ دقیقه است. ما هنوز قصه را شروع نکرده‌ایم، نتیجه‌گیری صورت می‌گیرد اما باید قبول کنیم که در مورد یک سریال با دیدن ۵۰درصد آن نمی‌توان قضاوت کرد. درحالی‌که سریال به ۱۰ قسمت بیشتر نیاز داشت، مسئولان شبکه موافقت نکردند و ما مجبور شدیم فیلمنامه را کوتاه کنیم. با تمام مشکلات و حواشی که برای این سریال ایجاد شد، به نظر من در بین مخاطبان مقبول واقع شده و جذابیت داشته است. در حقیقت باید بگویم آدم عادی را ندیدم که از سریال خوشش نیامده باشد. من عادت دارم که سریال را در بین مردم تماشا کنم. مثلاً در ترمینال غرب و فرودگاه امام بین مردم قرار گرفتم تا نتیجه کارم را مشاهده کنم. به نظر مکان‌های عمومی محک خوبی برای میزان جذابیت آثار در بین مخاطبان عام است، زیرا دوستان اگر تعریفی از اثر بکنند ممکن است به دلیل ارتباط شخصی‌شان باشد اما زمانی که شاهد بانم مردم ایجاد شای به ادبیات پرداخت کرده‌ام، این موقعیت برای پیدا می‌کنم. با توجه به رشت‌های که مدتی در آن تحصیل می‌کردم به زبان بدن و حرکات صورت آشنایی دارم و در نمایش عمومی به نظرم مردم فیلم را پسندیدانه‌اند.

***تهیه‌کننده سایه‌روشن**

■ **چطور شد که بعد از چندین سال فعالیت در سینمای ایران سایه‌روشن را ساختید؟**

از سال ۸۳ پیشنهاد ساخت مجموعه تلویزیونی به من داده شده بود. از سریال پول کنیف که شبکه سوم سیما راه بی‌پایان که پیش از آقای اسعدیان پیشنهاد ساختش را به من دادند. برای شمس‌العماره هم یکی از گزینه‌های تلویزیون من بود. این مجموعه‌ها برخی تا مرحله مذاکره و برخی دیگر تا مرحله قطعی شدن هم پیش رفتند. مجموعه‌ای به نام حادثه در بزرگراه بود که مرحله پیش‌تولیدش هم آغاز شد، اما قبل از شروع فیلمبرداری به دلایلی کناره‌گیری کردم. در هر صورت دغدغه ساخت سریال در همه این سال‌ها وجود داشت. تصور خودم هم این بود در رسانه‌ای مثل تلویزیون که دغدغه فروش و گیشه ندارد و سازنده می‌تواند هر آنچه ایده‌آل ساختاری‌اش به لحاظ تصویری و اجرایی کند و هر کارگردان راغب به ساخت آن هست. در مورد سایه روشن آقای افضلی تهیه‌کننده این مجموعه پیشنهاد این کار را دادند. متن را خواندم دیدم که ارزش پرداختن دارد. خود آقای افضلی و گروه نویسنده، متن را آماده کرده بودند. با ورود من به مجموعه بازنویسی مجدد برای فیلمنامه انجام شد و تقریباً تک‌تک قسمت‌ها با نویسنده بازخوانی، ویرایش و آماده تولید شد. مهم‌ترین چیزی که در این سریال برای من قابل اهمیت بود، متنی بود که فکر می‌کردم این امکان را برایم فراهم می‌کند تا خارج از شکل‌های کلیشه‌ای رایج مجموعه‌سازی می‌توانم هر آنچه را دوست دارم، اعمال کنم.

■ **از حرف‌های شما این برداشت را داشتم که تقریباً فیلمنامه و پیش‌تولید آماده‌بود که شما به عنوان کارگردان به گروه اضافه شدید؟**

نه این‌گونه نبود. یعنی اگر این اتفاق بیفتد، کارگردان آخرین کسی است که اضافه می‌شود.

■ **از آنجایی که گفتید فیلمنامه آماده را خواندید این جور برداشت کرد.**

حتی متن هم کامل نبود که به دست من دادند. تنها ۱۰ تا ۱۵ قسمت نوشته شده بود که متن را به من دادند. ۲۰ قسمت بعد از این که من به گروه اضافه شدم آماده شد. علاوه بر این که آن ۱۵ قسمت هم هنوز ویرایش نهایی نشده و در مرحله‌ای بود که کارگردان باید به مجموعه اضافه می‌شد. در شروع کار، ما سه نفر بودیم نویسنده، تهیه‌کننده و من. با این ۱۵ قسمت ویرایش‌شده آغاز شد و در طول تولید، قسمت‌های دیگر هم براساس طرح کامل مجموعه، آماده و به گروه تحویل داده شد.

■ **خیلی از منتقدان معتقدند که داستان کلی سایه‌روشن برگرفته با اثری‌ای شده مجموعه تلویزیونی امریکایی «زان خانه‌دار افسرده» است. البته نویسنده این پاسخ را بدهد که این دو مجموعه شبیه به هم هستند یا نه؟ اما از آنجایی که شما به عنوان کارگردان در ایجاد این حس کمک کردید شاید بتوانید درباره‌ین شباهت بگویید.**

بله، بخش گرتبرداری را چه به شکل آزاد و چه به شکل صدرصد را نویسنده باید پاسخ دهد، اما در مورد خودم باید بگویم که از این سریال آمریکایی فقط چند قسمت اولش را دیدم. وقتی که متن را گرفتم خود نویسنده من به اشاره کرد که شباهت‌هایی میان این مجموعه و مجموعه آمریکایی هست یعنی این مجموعه با نگاهی به آن نوشته شده است.

■ **پس این نکته را تأیید می‌کنید که گرتبرداری از زنان خانه‌دار افسرده‌داشتید؟**

بله. در همان ابتدای کار هم نویسنده گفت که نگاهی به این مجموعه داشته‌ام. آنجا اقتباس در قسمت‌های آغازین مجموعه بوده است، با این اشاره بود که من راغب شدم که زنان افسرده را ببینم. آن هم همان‌طور که گفتم قسمت‌های اولش را دیدم. بعد فکر کردم این شباهت به لحاظ ساختاری در فیلمنامه هست. این هم موضوعی بود که در فیلمنامه بود.

■ **به لحاظ اجرایی هم شباهت‌هایی وجود دارد که به بینندگان آن مجموعه این حس داده شده است.**

نه، به لحاظ اجرایی هیچ شباهتی وجود ندارد. همان‌گونه که گفتیم من همان سه قسمت را هم جسته گریخته دیدم. نمی‌دانم چقدر به لحاظ ساختاری آنچه به من مربوط می‌شود، شبیه آن مجموعه است یا نه؟ اما من کار خودم را کرده‌ام. اگر هم فیلم را کامل می‌دیدم، همان اتفاقی می‌افتاد که الان افتاده است. چون هیچ‌گونه پیشینه ذهنی درباره آن نداشتم. فیلمنامه هم در چند قسمت ابتدایی شباهت‌هایی دارد آنچه بینندگان الان می‌بینند هیچ شباهتی به یکدیگر ندارند، البته به زعم من اقتباس، گرتبرداری و حتی بازسازی اگر به گونه‌ای اتفاق بیفتد که تماشاگر و مخاطب احساس بدی نداشته باشد، هیچ شکالی ندارد.

■ **فکر نمی‌کنم کسی هیچ مشکلی با اقتباس یا کیی‌برداری داشته باشد. همین امسال یکی از بهترین فیلم‌های سینمای ایران یعنی «پنجا بدون من» اقتباسی از باغ‌وحش شیشه‌ای بود.**

من هم می‌خواهم به همین مورد اشاره کنم. در ادبیات هم ترجمه وجود دارد و هم اقتباس. اما آنقدر منتقدان و شه‌منتقدان، کارگردانان ما را نسبت به اقتباس ترسانند که فضای فیلمسازی به ادبیات پشت کرده است. اگر موقعیت برای فیلمسازان وجود ندارد که اقتباس کنند. در حالی که ۹۵درصد سینمای رایج جهان اقتباسی است. اتفاقاً اقتباس‌ها نعل به نعل است، اما در ایران قضیه برعکس است و فکر می‌کنیم که فیلمساز باید حتماً مولف باشد که صددرصد باید برای خودش باشد. در صورتی که فیلمساز، فیلسوف نیست، نگاه به آثار داخلی و یا خارجی به منظور اقتباس خیلی هم خوب است. زمانی باید قضاوت نهایی را بکنید که آن اثر اقتباسی یا در بدترین شکلی کیی‌برداری، نتوانسته مخاطبان را همراه کند. به گمان من گرتبرداری با اقتباس اصلاً مد نیست، با این همه اگر بخواهم پاسخی به سوال شما بدهم، باید بگویم که اگر شباهتی هست مربوط به چند قسمت نخست و نویسنده است. همان‌طور که گفتیم زمانی که به این مجموعه پیوستم ۱۵ قسمت از مجموعه نوشته شده بود. یک ویرایشی از سوی

تلویزیون

آرش معیریان کارگردان سایه روشن:

از محدودیت‌های تلویزیون در امان نبودم

فرزانه ابراهیم‌زاده



عکس: روابط عمومی فیلم سایه روشن

■ **بخش می‌شود. مجموعه‌ای که برخلاف کارهای سینمایی معیریان است. معیریان معتقد است که این تفاوت به دلیل عام‌بودن رسانه تلویزیون و فراگیری آن و هراس‌نداشتن از بازگشت سرمایه است. او می‌گوید در این مجموعه که در چند قسمت نخست نگاهی به مجموعه آمریکایی «زان خانه‌دار افسرده» داشته و در ابتدا با نام «پن جا تهران است» شروع به ساختن کرده است، سعی کرده با نماهای باز از پایتخت فضای تازه‌ای را از این شهر بزرگ به تصویر بکشد. هر چند که نام سریال به تصمیم مدیران شبکه تهران تغییر پیدا کرده است.**

ماجراهایی منجر می‌شود که در ادامه داستان را پیش می‌برد. ■ **اگر قصد شما نشان‌دادن اختلاف سنی بوده، هنوز بعد از ۱۸-۱۷قسمت چیزی درباره آن گفته نشده است. این برای فیلمی که دارد به شیوه دالای کل روایت می‌شود، درست نیست.**

به این بخش خواهیم رسید، اما اصولاً ساختار فیلمنامه براساس تعلیق است. در ابتدای داستان نازنین را زن خانه‌داری می‌بینیم که کارهای مشکوکی می‌کند. کم‌کم معلوم می‌شود این کارها حمل و نقل مواد مخدر است. همین‌طور آتوسا و سعید یک پلای دارند که نیامدیم مطابق بر شکل روایت خطی اول، همه شخصیت‌ها را معرفی کنیم. آمدمیم قصه را شروع کردیم، بدون اینکه شخصیت‌ها را بشناسیم و به تدریج روی محور داستان، ماجراها را شکل دادیم. داستان آتوسا و سعید کم‌کم شکل می‌گیرد. دکتر صادقی همین‌طور. کم‌کم لایه‌هایی را افشا می‌کند که هر لحظه فرضیه‌سازی تماشاگر به هم می‌ریزد. درباره آقای اوبسی و باقی مجموعه این خصوصیت را دارند.

■ **فضای کلی این مجموعه با این‌که به سه نظر خیلی رئالیستی می‌آید، اما در بخش یک جور رئالیست جادویی هر چند خیلی کم‌رنگ قراردارد. این که کل داستان از نگاه یک مرده تعریف می‌شود. یا همسر نازنین که با پرسرش صحبت می‌کند.**

همان‌طور اشاره کردید، ادبیات راز و رمز گونه‌ای که در دهه اخیر تعدادی از نویسندگان جوان وارد آن شدند و بعضی‌ها نشان بسیار موفق بودند در نگاه ساختاری من به این مجموعه وجود داشته است. یعنی اگر بخواهیم کمی غیر تخصصی صحبت کنیم عامیانه‌ترش این است که به جای رئالیست جادویی که به درستی اشاره کردید یک جور ناتوالیسم اجتماعی در یک مجموعه به چشم می‌خورد. تا جایی که سیاهی مطلق در رویکرد رفتاری آدم‌های منبیم، سفیدی مطلق هم می‌بینیم. اما نه آن سیاهی آزار می‌دهد و نه این سفیدی، در مجموع این سریال همان‌طور که در اسمش مستتر است، یک نوع فضای خاکستری مفرح هم دارد در ادامه پیشینه همسر نازنین را خواهید دید که چه بوده و چقدر تراژیک بوده است. اگر من همین را در سینما قرار بود بسازم بخش‌های

درامش را به شدت اشک و آمار می‌کردم. اما در سایه روشن بنا به اینکه مدیوم ما تلویزیون است بدون اینکه گزینش کرده باشم از این امکان استفاده کردم باید کاری می‌کردیم ضمن حفظ جذابیت‌های دراماتیک همه جور طیفی راحت از کنار اینها بگذرند و با آن ارتباط برقرار کنند. خواسته یا ناخواسته براساس اقتضات متن به سمت ژانری رفتیم که ویژگی‌هایش را در رئالیسم جادویی می‌بینیم و کار ساده‌ای نبود. شاید اگر بخوانم سریال دیگری بسازم، شبیه همه کارهای روتنی شود. ■ **به همین دلیل این فیلم، متفاوت از فیلم‌های شما در سینماست؟ خودتان قبول دارید که سینما به سینمای گیشه‌ای و تجاری نزدیک است و رگه‌های فرهیختگی و فرهنگی کمتر دارد. این سوال برای من مخاطب هست که چطور آرش معیریان در سینما که ژانر تخصصی‌اش است، فیلم‌هایی می‌سازد که خوب نیستند، اما در تلویزیون با همه مشکلاتی که وجود دارد و چنا از بحث مالی که محدودیت‌های زیادی دارد، سایه روشن را می‌سازد.**

من هم از محدودیت‌های تلویزیون در امان نبودم و انتقاد صریح‌م را هم نسبت به این کار به مدیران محترم شبکه پنج اعلام کردم. تا جایی که درخواست کردم اسمم را از تیتراژ سریال حذف کنند. بحث ممیزی و سلاخی شاور است و شما نمی‌دانید فردا با تغییر و تحولاتی که به وجود می‌آید، مجموعه

شما چه روش‌نشی پیدا می‌کند، اما یکی از چیزهایی که برای من به ش‌شخصه انگیزه است که هر نوع فعالیتی را در زمینه فیلمسازی انجام دهم، این است که عاشق فیلمسازی هستم. در کارنامه کاری من -که فکر می‌کنم سال بیستمی هست که وارد سینما شدم- از دستپارگی کارگردانی، منشی صحنه، دستپارگی تدوین و...رفته تالان که مونتاژ و کارگردانی می‌کنم و تدریس و مدیریت دپارتمان سینما، نشان از علاقه‌ام به سینما دارد. منتها من تلویزیون را هم به اندازه سینما دوست دارم. به این دلیل حوزه‌های ارتباطی‌اش با مخاطب زیاد است. یعنی عاشق کارهای متنوع و سخت هستم. اتفاقاً در مقاطع کاری زمانی را دوست دارم که موایع زیادی برای فیلمبرداری و سختی برایم وجود دارد. کسی که علاقه‌مند فیلمسازی است باید بداند که این هنر مصادف با انواع سختی‌هاست. جادوی فیلم می‌تواند این‌ها را فرامه کند که از پس مشکلات بربیاید. اینکه چرا سریال‌ها با فیلم‌هایم متفاوت است؟ اول باید تصحیح کنم، سریال‌م مختلف همچون «جرات»، «قلعه‌ها»، «خون‌بها»، «سنگاران»، «هروث»، «پیا می‌بخشیم»، «جنا افتاده» و «داشتن و نداشتن» را بر عهده داشته است.

■ **چه اتفاقی افتاده که در مدیوم تلویزیون که قرار می‌گیرید، فیلم‌های بهتری می‌سازید؟**

شما وقتی در سینما کار می‌کنید با موضوع بازگشت سرمایه روبه‌رو هستید. آنجا تهیه‌کننده بخش خصوصی است و هر فیناژ نگاتیویی که مصرف می‌کنید، کنترل مالی می‌افتد. الان در سینمای ما منهای بخش خواصش که متکی بر کمک‌های دولتی است، مشکل مالی وجود دارد. همواره وظیفه خودم دانستم که هوای تهیه‌کننده و نقدپنکی‌اش را داشته باشم. بنابراین وقتی برای فیلم سینمایی دعوت می‌شوم، ۵۰ درصد خودم و دغدغه‌هایم هست، ۵۰ درصد منافع تهیه‌کننده است. اگر این نباشد در قشش خیانت کرده‌ام. مگر اینکه تهیه‌کننده بگوید، تو مشکل مالی و زمانی نداری و هر آنچه دوست داری، بساز که چنین تهیه‌کننده‌ای در سینمای خصوصی ما وجود ندارد. فضای فیلمسازی شخصی و تلویزیون براساس مصلحت سلیقه عام همه مردم است. به‌نظرم فیلمسازی در تلویزیون خیلی ساده‌تر است. چون در سینما در دکوپاژ باید به این فکر کنید که وقت زیادی نبرد و در کوتاه‌ترین زمان ممکن انجام شود. اما در تلویزیون به سلیقه مردم باید توجه کنید. دیگر دغدغه هزینه ندارید. یعنی حداقل ما در سایه روشن این دغدغه را نداشتم.

■ **سریال بانام اینچا تهران است، ساخته شما اما یک دفعه نامش سایه روشن شد؟**

مدیران شبکه پنج به این نتیجه رسیدند که این نام بر سریال گذاشته شود.

■ **در مصاحبه‌هایی که درباره این فیلم داشتید، از ممیزی گنج کرده بودید. اما خبری را خواندم که مسئولان شبکه پنج اعلام کردند شما را راضی کرده است.**

خدا را شکر از قس‌مندی ۱۲ که بعد نگه ممیزی که وجود داشت، کمتر شده و مدیران شبکه به این نتیجه رسیدند هر پلای قرار است بعداً استفاده بشود. با دیده شدن قسمت‌های بعدی شائبه مشکل دار بودن بعضی از صحنه‌ها از بین رفت. متأسفانه اکثر آثار ما قربانی قضاوت زود هنگام مدیران و سلیقه‌هایشان می‌شود. مشکلات زیادی که برای این سریال به وجود آمد آنقدر بود که من و تهیه‌کننده اعتراض کردیم و حاضر نبودیم که ادامه بدهیم. مورد خاصی هم نبود. نکته هم این بود که از ب پسم الله ت تا تمت زیر نظر مدیران ساخته شده بود و در طول ساخت تمام پلان‌ها به صورت دی‌وی‌دی تحویل می‌شد. خیلی هم مورد تقدیر و تمجید بود؛ ولی یکی، دو قسمت اول که پخش شد، انگار که این فیلم از یک کره دیگر آمده بود. رنگ‌ها کم، بخشی از روابط حذف و آدها محو شدند.

جمعه جادو

در پایین با تلویزیون



■ وضعیت‌ی که سفید نیست. هشت سال دفاع مقدس و روایت جنگ شهرها که رژیم بعثی عراق در طول این جنگ به راه انداخته بود، هنوز آنقدر زوایای زیادی دارد که با وجود گذشت ۲-۲۲ سال از پایان جنگ هم می‌تواند دیدنی باشد و در ذهن کسانی که آن روزها را در کرده‌اند و حتی در ذهن کسانی که در آن روزها به دنیا نیامده بودند، یادآور روزهای گریز از موشک‌های عراقی است. حمید نعمت‌الله، کارگردان شناخته‌شده سینما در نخستین مجموعه تلویزیونی خود با همکاری هادی مقدم‌دوست روایت تازه‌ای از روزهای زمستان ۶۶ و موشک‌باران تهران با عنوان وضعیت سفید داده است. این مجموعه تلویزیونی مانند سه فیلم سینمایی و چندین فیلم تلویزیونی نعمت‌الله با رگه‌های طنز به روایت روابط انسانی و اجتماعی پرداخته است. وضعیت سفید از آغاز موشک‌باران تهران از زمستان ۱۳۶۶ آغاز شده و روایت خانواده پرجمعیت گل کار است که تقریباً همه با هم قهر هستند و اختلاف دارند، برای دوری از حملات دشمن ساکن باغ مادرشان در روستایی واقع در حومه تهران می‌شوند. روستایی که مدرسه اصلی آن تبدیل به محل اسکان بخشی از اهالی جنگ‌زده شده است. استقرار این خانواده در باغ و همجواری آنها با مردم روستا که در اوج همدلی به‌سر می‌برند، حوادث گوناگونی را برای خانواده رقم می‌زند که باعث درک آن‌ها از مشکلات یکدیگر و ریشه‌های بی‌اهمیت اختلافات‌شان می‌شود. آنها طلی این ماجرا را درمی‌یابند که استعداد کمک و یاری به یکدیگر را دارند... این مجموعه که هر شب از شبکه سوم سیما پخش می‌شود، در دو فاز بازیگران شناخته‌شده‌ای چون افسانه بایگان، افسانه چه‌راند، ابوالفضل پورعرب، عزت‌الله مهرآوران، اسماعیل سلطانیان، لیندا کیانی، حمیرا ریاضی، اصغر نقی‌زاده، امیرحسین رستمی، علی سلیمانی، پوراندخت مهیمن در کنار بازیگرانی چون یونس غزالی (امیرمحمد گل‌کار)، امیر کاظمی (شهرز)، عباس غزالی (بهروز)، عرفان ابراهیمی (رضا)، منواحمدی (شیرین) فرهاد شریفی (همایون)، سهیلا گلستانی (نمین)، رویا جاویدنا (سهیلا)، رابعه منلی (مادر بزرگ) به‌سازی می‌کنند. قرار بود در این مجموعه حسن پورشیرازی، آشا محرابی و ستاره اسکندری هم بازی کنند که نتوانستند این گروه را همراهی کنند. بخشی از این مجموعه همچنین با حضور مهین شهبانی در نقش دختر بزرگ این خانواده فیلمبرداری شده بود که با فوت ایشان همین تسلیمی جایگزین شد. آهنگسازی مجموعه بر عهده سهراب پورناظری بود که در فیلم سینمایی بی‌پولی نیز با نعمت‌الله همراهی کرده بود. موسیقی پاپی اثری از کی‌خسرو پورناظری و صدای علی‌زافرانی است. محمدرضا شفیع‌ی از تهیه‌کنندگان فعال و سابقه‌سازمان صدولوسیماست که تاکنون تهیه مجموعه‌ها و تولیدفیلم‌های مختلف همچون «جرات»، «قلعه‌ها»، «خون‌بها»، «سنگاران»، «هروث»، «پیا می‌بخشیم»، «جنا افتاده» و «داشتن و نداشتن» را بر عهده داشته است.

شوق پر کشیدن

■ تاکنون مجموعه‌های زیادی درباره سرداران جنگ ساخته شده است. مجموعه‌هایی که وجود مختلف این چهره‌ها را به نمایش می‌گذارد. خلیان شهید عباس بابایی یکی از این سرداران است که داستان زندگی‌اش دستمایه ساخت یک مجموعه تلویزیونی شده است. این مجموعه را پدیده صمدی، کارگردان پیشگوت و نام‌آشنا سینما که آثار ی چون اتوبوس، مردی که زیاد می‌داست و سالوان را در پرورده کرد خود دارد، ساخته است. در کنار صمدی، فرهاد توحیدی است که کمتر از کارگردان این مجموعه شناخته‌شده نیست و در حال حاضر رییس هیات‌مدیره خانه سینما است. مشاور این مجموعه هم کسی نیست جز مجید مجیدی که احتیاجی به معرفی ندارد. نقش خلیان شهید را شهاب حسینی بازی می‌کند. شوق پرواز دارای دو داستان مجزاست که به صورت مجزا روایت اصلی را به تصویر می‌کشد. داستان اصلی زندگی عباس بابایی است که در داستان دوم توسط یک پژوهشگر و همسرش که نقش آن‌ها را ستاره اسکندری و گرویش تهامی بازی می‌کنند، پیگیری می‌شود. نقش همسر شهید بابایی را در دو مقطع افسانه بایگان و الهام حمیدی بازی می‌کنند. نکته جالب توجه این است که این مجموعه در بیشتر مکان‌هایی که شهید بابایی زندگی می‌کرده است، از جمله منزلش در پایگاه شکاری و خانه پدری‌اش در قزوین فیلمبرداری شده‌است. حسین بابایی و سلما بابایی، فرزندان شهید بابایی هم در نقش اصلی خود بازی می‌کنند. شهرام حقیقت‌دوست، سعید نیکپور، بهمن زین‌پور، مینا جعفرزاده، پوراندخت مهیمن، مه‌ران رحیمی، حسن جوهرچی، عباس شاهی، زهره حمیدی، اتابک نادری، هیلدا رنجبران، علیرضا مظفری، شیدا اسدی، مبین قربانی، علی‌اصغر یوسفیان، پایدار رنجبر و شفع‌نوری بازیگران این مجموعه هستند که هر جمعه‌از شبکه اول سیما پخش می‌شود.